

گزارش

«شرق» گزارش می‌دهد: ترامپ از تعویق دو تا سه‌روزه حمله به ایران گفت؛ روایت تازه از نقش کشورهای عربی در مهار جنگ

میانجی‌ها علیه جنگ

موسی موحد: در حالی که بعدازظهر دوشنبه برخی رسانه‌های داخلی، از جمله خبرگزاری تسنیم، مدعی شده بودند آمریکایی‌ها در متن جدید پیشنهادی خود، برخلاف متون پیشین، پذیرفته‌اند تحریم‌های نفتی ایران را در طول دوره مذاکرات Waiven» یا سه تعبیر دیگر به‌صورت موقت تعلیق و اسقاط کنند، ساعاتی بعد وب‌سایت اسکسپوس به نقل از یک مقام ارشد کاخ سفید این ادعا را رد کرد و عنوان داشت: «هیچ کاهش تحریمی به‌صورت رایگان اتفاق نخواهد افتاد». این انقض خبری در شرایطی رخ می‌دهد که آتش‌بس میان ایران و آمریکا وارد چهل‌وسومین روز خود شده و هم‌زمان فضای منطقه‌ای میان دو ستاریوی تشدید دوباره جنگ یا رسیدن به توافقی موقت وشکندنه، در نوسان است. در مرکز این تحولات نیز نام دونالد ترامپ قرار گرفته که طی ساعات اخیر با مجموعه‌ای از توییت‌ها، مصاحبه‌ها و تهدیدهای متناقض و ادعای تعویق تا ۴۸ تا ۷۲ساعته حمله به ایران به دلیل وجود کاتال‌های جدی مذاکرات، بار دیگر فضای منطقه را به‌شدت تحت تأثیر قرار داده است.

حمله به ایران، شاید وقتی دیگر

مهم‌ترین تحول شامگاه دوشنبه، پست جنجالی ترامپ در شبکه اجتماعی تروث‌سوشال بود، جایی که او مدعی شد: «حمله نظامی برنامه‌ریزی‌شده آمریکا علیه ایران که قرار بود «فردا» عملیات شود، به درخواست رهبران عربستان، امارات و قطر به تعویق افتاده است». ترامپ نوشت: «میم‌بن حمد آل ثانی امیر قطر، محمد بن‌سلمان ولیعهد عربستان و محمد بن‌زاید آل نهيان رئیس امارات، از او خواسته‌اند به مذاکرات فرصت دهد؛ زیرا به باور آنان امکان دستیابی به توافقی وجود دارد که هم برای آمریکا و هم برای کشورهای منطقه «قابل قبول» باشد». رئیس‌جمهور آمریکا در ادامه پستش تأکید کرد: «این توافقی یک محور کلیدی خواهد داشت و اینکه «هیچ سلاح هسته‌ای برای ایران وجود نداشته‌باشد». او همچنین مدعی شد به بیت همکست وزیر دفاع آمریکا، ژنرال دانیل کین رئیس ستاد مشترک ارتش و اول کش ایالات متحده دستور داده حمله برنامه‌ریزی‌شده را متوقف کنند، اما هم‌زمان آماده اجرای «حمله‌ای کامل و گسترده» در صورت شکست مذاکرات باشند. دونالد ترامپ در جای دیگر هم باز مدعی شد آمریکا آماده حمله‌ای بزرگ علیه ایران بوده، اما به درخواست عربستان، قطر، امارات و چند کشور دیگر، این اقدام را دو تا سه روز به تعویق انداخته است. او گفت‌گفت‌وگوهای مهمی با ایران در جریان است و با وجود ناگامی‌های گذشته، این بار شرایط را «متفاوت» توصیف کرد. در همین راستا، اسکسپوس نیز به نقل از دو مقام آمریکایی گزارش داد رهبران عرب منطقه در پیام مشترکی به ترامپ هشدار داده‌اند اگر آمریکا به ایران حمله کند،کل منطقه هزینه آن را خواهد پرداخت.

به گفته یکی از منابع، رهبران عرب به ترامپ گفته‌اند آنها نگرانند تأسیسات نفتی و انرژی آنان هدف تلافی‌جویی قرار گیرد. این روایت، تصویری روشن از نگرانی کشورهای عرب حاشیه خلیج فارس نسبت به گسترش جنگ ایران به دهنه‌نگرانی‌ای که ظاهراد در تصمیم ترامپ برای تعویق حمله نقش داشته است. در همین حال، وائشینگتن‌پست به نقل از یک مقام پاکستانی نوشت: «ایران و آمریکا طی هفته گذشته چندین پیشنهاد و پیشنهاد متقابل رد و بند کرده‌اند و میانجی‌ها در تلاش‌اند مانع ازسرگیری جنگ شوند». این مقام خبر داد اختلاف اصلی بر سر ترتیب اجرای توافق است؛ تهران خواهان پایان جنگ پیش از اعلام توافق هسته‌ای است، اما وائشینگتن می‌خواهد همه توافق‌ها هم‌زمان اعلام شوند.

تناقض در مواضع ترامپ: از «شانس توفاق» تا تهدید به حمله گسترده

هم‌زمان با ادعای تعویق حمله، ترامپ در مواضعی دیگر بارها بر احتمال توافق تأکید کرد، اما لحن تهدیدآمیز خود را نیز حفظ کرد. او گفت: «به نظر می‌رسد شانس بسیار خوبی برای رسیدن به توافق وجود دارد. اگر بتوانیم بدون بمباران این کار را انجام دهیم، خوشحال خواهیم شد». رئیس‌جمهور آمریکا همچنین درباره «گفت‌وگوهای مهم» با ایران مدعی شد این مذاکرات «تجول‌مبئی» است، اما باید دید آیا به نتیجه می‌رسد یا نه. با این حال ترامپ تقریبا هم‌زمان در گفت‌وگو با نیویورک‌پست، موضعی کاملا متفاوت گرفت و اعلام کرد پس از دریافت آخرین پاسخ تهران «به‌هیچ‌وجه حاضر به دادن امتیاز» به ایران نیست. او در پاسخ به سوآلی درباره احتمال پذیرش تعلیق ۲۰ساله غنی‌سازی اورانیوم ایران هم ادعا کرد: «در حال حاضر اصلا آماده دادن امتیاز نیستیم». ترامپ در این مصاحبه افزود ایران می‌داند «به‌زودی چه اتفاقی خواهد افتاد» و تأکید کرد: «تهران اکنون بیش از هر زمان دیگری خواهان توافق است؛ زیرا از توان آمریکا برای افزایش فشار آگاه است». در ادامه همین فضای متناقض، کاخ سفید پیشنهاد اصلاح‌شده ایران را نیز ناکافی دانست. اسکسپوس به نقل از یک مقام ارشد آمریکایی گزارش داد پیشنهاد جدید ایران نسبت به نسخه‌های قبلی فقط «تغییرات جزئی» داشته و همچنان فاقد تعهدات دقیق درباره توقف غنی‌سازی اورانیوم یا تحویل ذخایر اورانیوم غنی‌شده است. این مقام همچنین ادعای برخی رسانه‌های ایرانی درباره موافقت آمریکا با کاهش تحریم‌ها را رد و تصریح کرد: «هیچ کاهش تحریمی بدون اقدامات متقابل از سوی تهران اتفاق نخواهد افتاد». او هشدار داد اگر مذاکرات واقعی و دقیق شکل نگیرد، آمریکا «از طریق بمب گفمت‌وگو خواهد کرد». هم‌زمان، راب مالی، فرستاده پیشین آمریکا در امور ایران، طی گفت‌وگو با الجزیره گفت شانس توافق بیش از آنکه به جزئیات فنی هسته‌ای وابسته باشد، به «طرز فکر ترامپ» بستگی دارد. او با کنایه افزود «باید از یک روان‌شناس نظرش را بپرسید»، زیرا مواضع ترامپ «ساعت به ساعت» تغییر می‌کند. مالی همچنین هشدار داد تیم ترامپ تاب‌آوری ایران را دست‌کم گرفته و این رویکرد را با اشتباهات آمریکا در جنگ ویتنام مقایسه کرد.

تردید درباره آینده توفاق: از میانجیگری پاکستان تا تهدید دوباره نظامی

در شرایطی که مذاکرات همچنان در هاله‌ای از ابهام قرار دارد، مجموعه‌ای از تحلیلگران آمریکایی نیز نسبت به امکان دستیابی سریع به توافق ابراز تردید کرده‌اند. آرون دیوید میلر، مذاکره‌کننده ارشد سابق آمریکا، معتقد است عقب‌نشینی ترامپ از حمله نشان می‌دهد او گزینه نظامی مطمئنی در اختیار ندارد و کشورهای عرب منطقه نیز از واکلتان ایران هراس دارند. او تأکید کرد هر توافقی جدی هسته‌ای نیازمند زمان و مذاکرات فنی پیچیده است و نمی‌توان آن را با توافقات سریع سیاسی جایگزین کرد. اریک برنوز، مدیر سابق ارشد شورای امنیت ملی آمریکا نیز باور دارد فاصله مواضع ایران و آمریکا همچنان بسیار زیاد است و فقط در صورتی کاهش می‌یابد که ترامپ عقب‌نشین کن؛ موضوعی که هنوز هیچ نشانه‌ای از آن وجود ندارد. از سوی دیگر، دن شایرو هشدار داد هیچ «راه‌حل جادویی» برای بحران ایران وجود ندارد؛ یا بن‌بست دائمی یابد یا تنش بیشتر می‌شود یا ترمیم ناچار به پذیرش توافقی ضعیف‌تر خواهد شد. در این میان، پاکستان همچنان نقش میانجی فعال را ایفا می‌کند. خواجه محمد آصف، وزیر دفاع پاکستان، اعلام کرد احتمال آغاز دوباره جنگ بسیار پایین است، زیرا نه کشورهای عربی خلیج فارس و نه افکار عمومی جهان و آمریکا، حامی جنگ نیستند. او همچنین از اعتماد تهران به اسلام‌آباد برای پیشبرد دیپلماسی قدردانی کرد و گفت چین و روسیه نیز مخالف جنگ علیه ایران هستند. در سوی دیگر، مواضع نظامی تهران همچنان قاطعانه باقی مانده است. سخنگوی ارتش صهیونیستی اسلیمی هشدار داد اگر دشمن «حماقت» کند و دست به تجاوز دیگری بزند، ایران با «ابزارها و شیوه‌های جدید» جبهه‌های تازه‌ای علیه مهاجمان خواهد کشود. او تأکید کرد ارتش دوره آتش‌بس را همچون دوران جنگ تلقی کرده و از آن برای تقویت توان رزمی خود استفاده می‌کند. به گفته او: «ایران محاصره‌پذیر و قابل شکست نیست». مجموع این تحولات مؤید آن است که منطقه در وضعیتی شکننده قرار دارد؛ از یک سو تلاش‌ها برای حفظ مسیر دیپلماسی و رسیدن به توافقی ادامه دارد و از سوی دیگر تهدیدهای دونالد ترامپ و آماده‌باش نظامی دو طرف سایه جنگ را حفظ کرده است. هنوز مشخص نیست آتش‌بس ۴۳روزه فعلی به توافق منتهی می‌شود یا تنش‌ها دوباره تشدید خواهد شد.

وحیده کریمی: در نظم نوین بین‌الملل که «قدرت» بار دیگر بر «علم حقوق و قوانین بین‌الملل» تقدم یافته، فهم درست از نسبت دیپلماسی و میدان، خط‌کشی راهبردی هر کششگری است. ایران در روزگار پسا‌جنگ تلاش دارد در قامت یک «قدرت» ظاهر شود؛ بنابراین میدان دیپلماتیک، همراه با پشتوانه قدرت نظامی و اقتصادی با «جبر ژئوپلیتیکی» که کارت تنگه هرمز را برای ایران به ارمغان آورده، معادلات منطقه را تحت تأثیر قرار داده است.

در چنین زمینه‌ای است که ماجرای امارات متحده عربی، از یک اختلاف مرزی ساده فراتر می‌رود و به مسئله‌ای راهبردی برای امنیت غرب آسیا بدل می‌شود. کشوری که به جای تکیه بر همسایگی تاریخی و پیوندهای تمدنی با ایران، اشتباه محاسباتی اتکا به اسرائیل و آمریکا را مرتکب شده؛ اشتباهی که ریشه در میراث استعماری و اقتصاد وابسته دارد. از استقرار صدها شرکت صهیونیستی و آموزش نیروهای لجستیک نظامی که در جنگ تحمیلی سوم، علیه ایران استفاده شدند تا ادعاهای پوشالی؛ پرونده امارات را پر از رفتارهای خصمانه‌ای کرد که دیگر قابل اغماض نبود و ایران را وادار به دفاع مشروع از خود کرد. ازاین‌رو در گفت‌وگو با سارا فلاچی، عضو کمیسیون امنیت ملی، از آخرین روند دیپلماتیک ایران پسا‌جنگ بر سپیدیم و او از «بازی با کارت ایران قدرتمند» در منطقه گفت و معتقد بود در نظام بین‌الملل، بازنده هر بربری مجبور به پرداخت غرامت است، بنابراین هرکس قدرت دارد، غرامت می‌گیرد. آنچه در ادامه می‌آید، تصویری از آینده نظم امنیتی خلیج فارس و جایگاه ایران در منطقه از نگاه این نماینده مجلس است. «دیپلماسی بدون پشت‌گرمی، اعتبارش را در ترازوی نقد ملت از دست می‌دهد»، سارا فلاچی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، می‌گوید با این پیش‌فرض پای بار اجلاس‌های بین‌المللی می‌گذاریم. او معتقد است در هر حضور دیپلماتیک، نخستین پرسشی که با خود مطرح می‌کند، این است: «دستاورم ما برای ملت چه بود؟» و این یعنی عبور از تشریفات به سوی خروجی عینی. به باور او، بریکس فقط یک نهاد اقتصادی نیست، بلکه تریبونی برای «روایت صحیح از خود» است؛ فرصتی که ایران پسا‌جنگ از آن به‌خوبی بهره می‌برد. او که در بسیاری از اجلاس‌های بین‌المللی حضور داشته، در بررسی حضور ایران در اجلاس اخیر بریکس؛ تغییر محسوس نگاه به ایران را تأیید می‌کند و می‌گوید «نگاه هیئت‌های دیپلماتیک به کشورمان در حقیقت یک ایران متفاوت است». به هر حال در جهان سیاست، همچنان «قدرت» است که قواعد را می‌نویسد. فلاچی با این جمله از «جبر ژئوپلیتیکی» می‌گوید که ایران چهار دهه از آن بهره برده؛ همان تنگه هرمز که «رازانی خد» است. و در همین زمینه است که موضوع امارات گره می‌خورد. او در پاسخ به این سؤال که ریشه زباده‌خواهی‌های امارات از کجا می‌آید؟ و چرا از همسایگی یکباره به همراهی با اسرائیل و آمریکا برای حمله به ایران روی آورده، می‌گوید: امارات از حدود ۱۹۹۰، پس از فروپاشی شوروی، با خاندان بن‌زاید مسیری تازه برگزیده؛ اتحاد با صهیونیست‌ها برای یافتن یک حامی منطقه‌ای، اما قضیه عمیق‌تر از یک انتخاب تاکتیکی است. بسیاری از اختلافات مرزی در منطقه «ازجمله جزایر» میراث استعمار انگلیس است. انگلیسی‌ها هنگام خروج از منطقه در ۱۹۷۰ نمی‌خواستند یک خلیج فارس آرام بر جای بگذارند؛ پس تخم اختلافات قومی، مذهبی و مرزی را پاشیدند. امروز «غرب آسیا» بر است از پتانسیل منازعه؛ از طرح اسرائیل بزرگ، تا پاکستان گوناگین و مسئله کشمیر در هند، از اختلافات عراق و کویت تا قطر و عربستان. در همین شرایط ۶۰ درصد انرژی جهان هم در همین جغرافیا انباشته شده است.



امارات در جست‌وجوی تکیه‌گاه به اسرائیل بناه برده

او در ادامه افزود: امارات در این میدان، کشوری کوچک با اقتصاد وابسته (۶۰ درصد نیروی کار مؤثر خارجی) و بدون دانش بومی عمیق است. پس طبیعی است که به دنبال تکیه‌گاه باشد، اما اشتباه محاسباتی بزرکش، انتخاب اسرائیل و آمریکا‌ست. انگلیسی‌ها هم از گذشته به آن جسارت «گنده‌گویی» درباره جزایر را داده‌اند؛ بنابراین امارات امروز بناندن کودکی است که پشت آدم قدرتمندی پنهان شده و هرازگاهی سرک می‌کشد. ما براساس نقش تاریخی و تمدنی «برادر بزرگ‌تر»، همواره پدران گذشتیم، اما گاهی پدر مجبور است کودک شلوغ را تئیه کند. فلاچی با اشاره به اینکه «بالا ۵۰۰ شرکت صهیونیستی در پوشش‌های مختلف در امارات فعال‌اند» افزود: انواع قاچاق مشروبات و کالاهای ضد فرهنگی به ایران از این مسیر انجام می‌شود. حتی بالای هزارو ۵۰۰ نیروی مزدور از دیگر کشورها در امارات آموزش می‌بینند تا در یک دگریری احتمالی زمینی، عملیات هلی‌بورن علیه ایران انجام دهند. آنجا اسرائیلی‌ها مستقرند، آمریکایی‌ها کمک می‌کنند. حتی در جنگ ۱۲روزه و جنگ تحمیلی سوم، خدمات لجستیکی مستقیم به رژیم صهیونیستی دادند. حتی در روز آتش‌بس، «سیری و لاوان» را ما از خاک امارات زدند. ما مستندات بالای ۵۰۰ صفحه‌ای به سازمان ملل ارائه دادیم. از سرمایه‌گذاری پولی تا کارزارهای حقوقی و بیانیه‌های تعرض آمیز علیه تمامیت ارضی ما، همه در کارنامه امارات ثبت است.

حامیان فرامنطقه‌ای قابل اعتماد نیستند

این نماینده مجلس در ادامه خاطر‌نشان می‌کند: قبلا در برابر چنین رفتارهایی کوتاه آمده بودیم. اما در جنگ تحمیلی سوم دفاع مشروع کردیم؛ چون از خاک و آسمان امارات علیه ما استفاده شد، ما هم پایگاه‌های آمریکایی را زدیم. پیام به امارات روشن است؛ جنگ تحمیلی سوم نشان داد که حامیان فرامنطقه‌ای قابل اعتماد نیستند. فلاچی با بیان اینکه «آمریکایی‌ها به اماراتی‌ها ثابت کردند که اولویت راهبردی‌شان اسرائیل است»، می‌افزاید: پایگاه در امارات را برای حمله به ایران در دفاع از اسرائیل ساختند، نه برای دفاع از امارات. ضمن اینکه اسرائیل طرح «اسرائیل بزرگ» را دارد. شهید لاریجانی نقل می‌کرد یکی از بزرگان امنیتی منطقه گفته بود اسرائیل برای ایران، ترکیه، پاکستان و عربستان برنامه دارد. شاید اگر عربستان این روزها منطقی عمل می‌کند؛ چون به قهمی از رفتار اسرائیل رسیده است. امارات اصلا در محاسبات جغرافیایی و توانمندی در سطح اسرائیل نیست. اسرائیل تقسیم‌بندی کرده که دشمن نزدیک ایران است و دشمن دور هم عربستان، ترکیه و پاکستان. با خود می‌گوید اول ایران، بعد عراق، سپس سرخ آنها خواهد رفت.

شور زندگی ایستاده در غبار



که تناقض عجیبی در رفتار جامعه دیده می‌شود؛ مردم هم معترض‌اند، هم نگران و هم‌زمان سعی می‌کنند کشورشان را در دل بحران حفظ کنند.

اگر از خیابان عباس‌آباد یا بعضی خیابان‌های شمال تهران عبور کنی، خودروهای لوکس هنوز در خیابان‌ها دیده می‌شوند؛ ماشین‌هایی که برای بخش بزرگی از جامعه بیشتر شبیه تصویری دور از دسترس‌اند تا بخشی از واقعیت زندگی. تهران شهر تصادهاست؛ شهری که در یک نقطه‌اش مردم درباره قیمت نان و اجاره‌خانه حرف می‌زنند و چند خیابان بالاتر، زندگی ظاهرا بدون تغییر ادامه دارد. در کنار همه اینها، هنوز نوعی «فوبیای صدا» با مردم مانده است؛ ترسی که پس از روزهای جنگ و تنش در ذهن جامعه حک شده. صدای ناگهانی موتور، عبور هوپایما یا حتی صدای بلند در خیابان، برای بعضی‌ها یادآور اضطرابی است که هنوز تمام نشده است. شهر آرام است. شاید مسئولان بارها بگویند که نباید ناامیدی ایجاد کرد و درست هم می‌گویند، هیچ جامعه‌ای با ناامیدی دوام نمی‌آورد، اما شنیدن صدای مردم هم ضروری است. بخشی از بحران امروز دقیقا از همان جاست که کسانی احساس می‌کنند کسی واقعیت زندگی روزمره‌شان را نمی‌بیند. بعید است همه مسئولان تصویری دقیق از وضعیت تمام اقشار جامعه داشته باشند؛ از مستاجری که هر سال با افزایش اجاره‌به عقب‌تر رانده می‌شود تا کارگری که کاهش تولید و رکود بازار، امنیت شغلی‌اش را تهدید کرده است.

جنگ فقط در میدان نبرد خسارت ایجاد نمی‌کند؛ اثرش را در کارخانه‌ها، بازار، قیمت خانه و حتی تصمیم‌های ساده خانواده‌ها هم می‌توان دید. تولید آسیب می‌بیند، سرمایه‌گذاری متوقف می‌شود و نتیجه‌اش را مردم در زندگی روزمره لمس

روایت سارا فلاچی، نماینده مجلس از منطقه پسا‌جنگ و معمای امارات:

هرکسی که قدرت دارد، غرامت می‌گیرد

ما دز مستحکم در منطقه هستیم

او با تأکید بر اهمیت نقش ایران در آینده امن منطقه می‌گوید: ما دز مستحکمی هستیم که اجازه عبور به اسرائیل نداده‌ایم. به نفع کشورهای منطقه است که بایبند کنار ایران، نظم امنیتی جدید غرب آسیا و خلیج فارس را با هم بسازیم. ما تا پیش از این جنگ هیچ درگیری مستقیم با هم نداشتیم. خلیج فارس با کشورهای فرامنطقه ناایمن است؛ امنیتش با رفتار مشترک کشورهای منطقه تأمین می‌شود. اینجا مال ماست. اگر احترام بگذارند، احترام می‌بینند، در غیراین‌صورت «آسیب جدی به امارات کاری ندارد». ما به روابط تاریخی و همسایگی وفاداریم، روزگاری همه این محدوده تحت حاکمیت خامنشیان بود، بخشی از تمدن ما بودند. امارات اگر در کنار ایران دژ مقاومت باشد، بهتر از همراهی با صهیونیست‌هایی است که به عراق، سوریه، لبنان و فلسطین، همه کشورهای عربی، بزرگ‌ترین خیانت را کرده‌اند. ما از آنها دفاع کردیم، نه به‌عنوان کشور عربی، بلکه به‌عنوان کشورهای مسلمان مظلوم.

این نماینده مجلس در توصیه‌های به اماراتی‌ها هم می‌گوید: توصیه می‌کنم این نکته را جدی بگیرند که نتایباهو از همه، حتی خانواده خودش استفاده ابرازی می‌کند. او آمده نروهایش را در امارات مستقر کرده تا منطقه را به هم بریزد و از امارات سکوی پرش علیه ایران بسازد. فردا امارات را مثل مستحکم کنیفی دور می‌اندازد. نتایباهو آدمی بلندپرواز و متوهم است. منافع شخصی را بر منافع جمعی ترجیح می‌دهد. این «ماه عسل» در آینده به «زهر عسل» تبدیل خواهد شد. امارات ما یکی از اهداف اسرائیل برای برهم‌زدن ژئوپلیتیک منطقه است.

امارات فقط شریک نبود، بلکه متجاوز به خاک ما بود

فلاچی در پاسخ به این سؤال که بحث غرامت هم مطرح است که حق طبیعی ایران است، اما این روزها امارات هم دنبال غرامت از ایران است؛ وضعیت حقوقی این مباحث چگونه خواهد بود؟ توضیح می‌دهد: اول اینکه غرامت را طرف شکست‌خورده جنگ پرداخت خواهد کرد، پس ایران به‌عنوان پیروز این نبرد می‌تواند به دنبال غرامت باشد، اما قسمت بد ماجرا این است که امارات بی‌سروصدا کمته‌ای برای گرفتن غرامت از ما تشکیل داده. رسانه‌ای‌شدن بحث غرامت خطرناک است، چه از طرف ما باشد، چه طرف مقابل. واقعیت این است، ترامپ و نتایباهو چیزی از حقوق بین‌الملل باقی نگذاشته‌اند. هرکس قدرت دارد، حرفش را می‌زند. ما در اینجا پیروز میدان هستیم. شکست‌خوردگان، کشورهای عربی منطقه‌اند که هم امتیاز دادند و هم تکک خوردند. ما کلی مستندات داریم؛ صد برابر آنها، طبق قواعد بین‌المللی که امارات به آن استناد می‌کند، کشوری که خاک و آسمانش را در اختیار دشمن طرف دیگر قرار دهد، شریک نیست، متجاوز است. ما از خود دفاع کردیم، آنها تجاوز کردند. در جوامع بین‌المللی قدرت تعیین‌کننده است و ما فعلا دست بالا را داریم، هم نظامی، هم اقتصادی. اولیوارم از این دستت بالا در زمان مقتضی استفاده کنیم و بازی با کارت‌های‌مان دیر نشود. فلاچی در پاسخ به این سؤال که «پس از پایان جنگ، رابطه ما با کشورهای عربی چه شکلی خواهد شد؟»، هم توضیح داد: بارها گفته‌ایم و در بریکس دیدید که وزیر خارجه ما با آرامش و دیپلماتیک پاسخ بی‌ادبی آنها را داد، چون ما جایگاه برتر را داریم. ما دست دوستی و برادری به سمت‌شان دراز کرده‌ایم؛ می‌خواهیم بنشینیم و راه‌حل مشترک برای منطقه پیدا کنیم. اگر بیایند، چه بهتر. اگر نایبند و فضا را ادامه دهند، متضرر اصلی خودشان هستند؛ از هر سه بعد اقتصادی، سیاسی و نظامی. اینها توان راهبردی مدیریت خود را در منطقه ندارند.

می‌کنند. شاید امروز بیش از هر زمان دیگری، جامعه خسته از یک تخصص فرسایشی و طولانی است، تقابلی که دهه‌هاست میان ایران و آمریکا ادامه دارد و نسل‌های مختلف زیر سایه آن زندگی کرده‌اند. بسیاری فقط می‌خواهند این چرخه بی‌پایان تنش، برای همیشه جایی متوقف شود تا شاید بتوان دوباره از آینده بدون ترس و ابهام حرف زد.

با وجود گذشت بیش از ۷۰ روز، خیابان‌های تهران هنوز خالی نشده‌اند، مردم همچنان در شهر حضور دارند و شب‌ها در بسیاری میدان‌ها و خیابان‌ها جمع می‌شوند. شاید همین ادامه‌یافتن زندگی، مهم‌ترین نشانه مقاومت یک جامعه باشد؛ جامعه‌ای که با تمام فشارها هنوز نخواستہ تسلیم ترس شود. در میان این جمع‌ها، پرچم ایران هنوز در دستان مردم دیده می‌شود، نه صرفا به‌عنوان یک نماد سیاسی، بلکه بیشتر شبیه نشانه‌ای از تعلق و هویت جمعی. شب‌هایی هست که پرچم‌ها در باد تکان می‌خورند و مردمی که خسته‌اند ولی هنوز خود را صاحب این کشور می‌دانند، زیر نور خیابان‌ها ایستاده‌اند. در چنین لحظاتی می‌توان فهمید که مفهوم «وطن» برای بسیاری از مردم، فراتر از جناح‌بندی‌های سیاسی است. هنوز هم بعضی سخنرانی‌ها و موضع‌گیری‌ها به‌جای آنکه فاصله‌ها را کمتر کند، بر شکاف‌های داخلی می‌افزاید؛ در حالی که مردم عادی، بیش از هر چیز، به دنبال کمی ثبات و آرامش هستند.فاصله میان آنچه مردم در خیابان، فضای مجازی و زندگی روزمره لمس می‌کنند، با آنچه از رسانه رسمی می‌شوند، هر روز بیشتر می‌شود. برای همین است که این روزها تقریبا هر هفته نام تازه‌ای برای ریاست صدواسیما در شبکه‌های اجتماعی و گفت‌وگوهای عمومی مطرح می‌شود. مردم منظر تغییر هستند؛ تغییری که سال‌ها درباره آن صحبت شده، اما هنوز بسیاری احساس می‌کنند به شکل واقعی اتفاق نیفتاده است. جامعه امروز دیگر فقط به دنبال خبرخواندن نیست؛ می‌خواهد صدایش شنیده شود، می‌خواهد رسانه‌ای داشته باشد که به‌جای تکرار روایت‌های یک‌طرفه، واقعیت پیچیده جامعه را منعکس کند. مردم اخبار را از ده‌ها منبع دریافت می‌کنند و جزئیات را دنبال می‌کنند و میان روایت‌ها مقایسه انجام می‌دهند. برای همین، هر تکزبب مبهم یا سکوت طولانی، گاهی نته‌تنها ابهام را کمتر نمی‌کند، بلکه دامنه سؤا‌ل‌ها را بزرگ‌تر می‌کند. جامعه‌ای که آگاه‌تر شده، دیگر صرفا جواب کوتاه نمی‌خواهد؛ توضیح می‌خواهد، شفافیت می‌خواهد و مسئولان احساس می‌کند حق دارد حقیقت را بداند. و شاید در نهایت، جامعه بسته بخش بزرگی از مردم چیز پیچیده‌ای نباشد؛ آنها می‌خواهند دوباره به روزهایی برگردند که دغدغه‌شان سرال‌های تلویزیونی، مسابقات فوتبال، دربی پایتخت یا هیجان جام جهانی بود؛ روزهایی که اخبار جنگ و بحران تمام ذهن جامعه را اشغال نمی‌کرد. جام جهانی نزدیک است و مردم دوست دارند دوباره بتوانند درباره فوتبال، سفر و زندگی عادی حرف بزنند، نه اینکه هر صبح با اضطراب خبرهای سیاسی و جنگی از خواب بیدار شوند.